

**Research Article**

## Freedom in Transcendental Politics<sup>1</sup>

Mohammad Reza Javaheri<sup>1</sup>

*1. Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. javaheri@ferdowsi.um.ac.ir*

### **Abstract**

The purpose of the present study is to display “the doctrine of intellectual freedom” based on religious references. By searching and analyzing the term “Horriyat” in Islamic traditions, it was determined that it is possible to set the doctrine of intellectual freedom to answer all likely questions in this regard. According to the content of Ahādith from Ahl al-Bayt, human freedom and Horriyat is not contractual or presented by mankind but it just relies on the divine “command” as God has created humans and bestowed them the gift of freedom and the free living. Reflection upon the Ahādith of Imams about freedom proved that the cause and philosophy of freedom is the spiritual evolution and praying to God; and that the highest prayer belongs to the free men and women. As for the essence of freedom and the truth of liberty, there are many positive and negative features that all have been mentioned in the Ahādith of Ahl al-Bayt. It is evident that in recognition of freedom and people’s duty about that and free people, the underlying causes and significance of knowing and seeking freedom and having Horriyat is embedded.

**Keyw ords:** Freedom, Horriyat (freedom), Hadith, Transcendental Politics

---

1. **Received:** 2020/09/05; **Accepted:** 2021/03/27

\* Copyright © the authors

\*\* <http://sm.psas.ir/>



## آزادی در سیاست متعالیه<sup>۱</sup>

محمد رضا جواهری<sup>۱</sup>

۱. استادیار، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. javaheri@ferdowsi.um.ac.ir

### چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه «منظومه فکری آزادی» مبتنی بر اسناد دینی است. با حدیث‌شناسی واژه «حریت» مشخص شد که تدوین منظومه فکری آزادی برای پاسخ به همه پرسش‌های آن امکان‌پذیر است. مطابق متن احادیث اهل بیت(ع)، آزادی و حریت انسان قراردادی و اعطایی از سوی بشر نیست و تنها بر «جعل» الهی استوار بوده و خداوند انسان‌ها را آزاد قرار داده و آزاد آفریده و استعداد آزاد زیستن به او بخشیده است. با تأمل در احادیث امامان درباره آزادی ثابت شد که چرایی و فلسفه آزادی، تکامل معنوی و عبادت خداست و برترین عبادت نیز عبادت احرار و آزادگان است. در ماهیت آزادی و حقیقت آزادگی، صفات ثبوتی و سلبی بسیاری نقش داشته و همه آنها در حدیث اهل بیت(ع) وجود دارد. بدیهی است که در شناخت بایدها و نبایدهای آزادی و آزادگی و وظایف مردم در ارتباط با آزادی و آزادگان، دلایل اهمیت و ضرورت آزادی‌شناسی و آزادی‌خواهی و آراستگی به حریت نهفته است.

واژه‌های کلیدی: آزادی، حریت، حدیث، سیاست متعالیه.

## ۱. مقدمه

آزادی در انقلاب ضد دینی و سکولار فرانسه و انقلاب دینی ایران شعار اصلی انقلاب است. در اصل دوم قانون اساسی فرانسه آمده: فرانسه یک جمهوری غیرقابل تجزیه سکولار و دموکراتیک و اجتماعی است... شعار جمهوری «آزادی، برابری و برادری» است.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از سوی خبرگان قانون اساسی تدوین و دو بار به تصویب ملت رسید، آمده: نهال انقلاب... در میان فریادهای «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست. بی‌تردید منظور از شعار آزادی در این دو قانون اساسی یک چیز نیست. برای شناخت حقیقت آزادی در حکومت اسلامی باید به وحی، قرآن و سنت بازگشت و با تحلیل سیاست متعالیه اسلامی به آن رسید.

برای درک درست و تبیین صحیح آزادی و جایگاه آن در اندیشه اسلامی باید مبانی، فلسفه و شاخصه‌های آن را شناخت. از قرن هجدهم که موج نخست آزادی در جهان غرب شکل گرفت، تا قرن جاری میلادی، فرضیه‌ها، تئوری‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی در زادگاه آن پدید آمده است. اختلافات درباره آزادی براساس اختلاف در مبانی، فلسفه و شاخصه‌های آن استوار می‌باشد. دین جامع، جهانی و جاویدان اسلام در پانزده قرن پیش، در قرن ششم میلادی نظریه خویش درباره آزادی را به جهان ارائه کرد. پیشگامی اسلام در طرح آزادی، اقتضاء می‌کند که جهانیان با مبانی، فلسفه و شاخصه‌های ثبوتی و سلبی آزادی در منظومه فکری و حدیثی در دین اسلام آشنا شوند.

## ۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با آزادی در حدیث با انحصار بحث در واژه حرّیت و به ویژه گام برداشتن در راه رهایی از منظومه یا منظومه‌های غربی و طرح منظومه فکری آزادی براساس سنت و نص شرعی در سیاست متعالیه، پژوهشی یافت نشد. عدم شکل‌گیری منظومه فکری آزادی و فقدان پیشینه برای آن در سخنان رهبر معظم انقلاب در نشست آزادی، چندین مرتبه تصریح شده است (۲۳ آبان ۱۳۹۱).

نوآوری پژوهش حاضر در پیوند بنیادین با سنت و حدیث اسلامی و اختصاص به واژه حرّیت و حرکت در راه منظومه‌سازی در زمینه آزادی در سیاست متعالیه اسلامی است. بنابراین نوآوری این پژوهش، استخراج و استنباط پاسخ پرسش‌های اساسی سازنده منظومه آزادی از متن حدیث حرّیت است.

### ۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

رهبر معظم انقلاب اسلامی در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی، ضمن یادآوری اینکه آزادی غربی از سوی روشنفکران درباری در مشروطیت به صورت تقلیدی با شاخصه‌های ضد کلیسایی، ضد دینی، ضد روحانیت و اومانیستی و انسان‌گرایی و کفر و شرک به ایران آمد، چنین نتیجه‌گیری کردند: «لذا، زایش بعداً به وجود نیامد، لذا، در زمینه کار مربوط به آزادی، هیچ حرف نو، هیچ ایده نو، هیچ منظومه فکری نو به وجود نیامد. خیلی از این صاحبان فکر در غرب یک منظومه فکری در خصوص آزادی دارند ... ما یک دانه از آن‌ها را در کشورمان به وجود نیاوردیم، با اینکه منابع ما زیاد است، ما فقر منبع نداریم ... یعنی واقعاً می‌توانیم یک مجموعه فکری مدون، یک منظومه کامل فکری در مورد آزادی که به همه سؤالات ریز و درشت آزادی پاسخ دهد، تأمین کنیم. البته این کار همّت می‌خواهد، کار آسانی نیست. ما این کار را نکرده‌ایم، ما در عین حال که منابع داریم، اما همان منظومه‌های فکری آن‌ها را آورده‌ایم... ضمن اینکه منابع داریم، منظومه فکری نداریم ... ما باید به سمت منظومه‌سازی برویم». ایشان از اینکه آن نشست در مسیر ارائه منظومه فکری آزادی گام برداشته است، فرمودند: «در تمسک به منابع اسلامی ... منابع قرآنی و حدیثی فراوان وجود دارد ... ما باید به منابع مراجعه کنیم، برای اینکه بتوانیم آن منظومه فکری مربوط به آزادی را از مجموع این منابع بگیریم» (۲۳ آبان ۱۳۹۱).

### ۴. منظومه فکری آزادی

در این تحلیل مقام معظم رهبری از آزادی‌شناسی دینی و تفکیک آن از آزادی غربی، چند مرتبه بر ضرورت و لزوم منظومه‌سازی و گام برداشتن در راه ایجاد «منظومه فکری آزادی» تأکید شده است. هدف این پژوهش حرکت در راه تولید علمی منظومه فکری آزادی است. این منظومه براساس نصوص دینی و احادیث اهل بیت (ع) استوار می‌گردد. در این توصیف و تحلیل متون دینی فقط از احادیثی که کلمه حرّیت و کلمات هم‌خانواده آن درون حدیث وجود دارد، استفاده شده است. در تکاپوی حدیث حرّیت تلاش شده است همه احادیث حرّیت مورد توجه قرار گیرد و براساس آن‌ها اقدامی کوچک در طرح منظومه آزادی که اول و آخری داشته باشد و پاسخ پرسش‌های اساسی آزادی را بدهد، انجام گردد. رسیدن به منظومه فکری آزادی نیازمند کار جمعی و تسلط بر منابع اسلامی و تسلط بر منابع غربی است و قطعاً باید ادامه یابد. پژوهش حاضر پیش‌زمینه و پیش‌درآمدی مبتنی بر سنت معصومین (ع) در این راه بسیار دشوار و مهم

است. «تعریف آزادی»، «منشاء آزادی»، «فلسفه آزادی»، «بایدهای آزادی»، «نبایدهای آزادی»، «ارزش آزادی» و «وظایف مردم و دولت در ارتباط با آزادی و آزادگی» هفت مسئله اساسی آزادی است که در این منظومه فکری آزادی جای می‌گیرد. بنابراین، مسأله تحقیق حاضر ارائه ساختار و منظومه فکری آزادی در سیاست متعالیه می‌باشد.

### ۵. آزادی چیست؟

گرچه حقیقت مفهوم آزادی در منشاء و فلسفه و شاخصه‌های ایجابی و سلبی آن نهفته است، ولی با معنای آزادی در لغت و اصطلاح نیز بی‌ارتباط نیست. واژه آزادی به نظر برخی، از واژه اوستایی «آزادته» یا واژه پهلوی «آزایته» گرفته شده و در زبان فارسی در معانی گوناگونی به کار رفته است و به معنای رهایی، خلاص، آزادمردی، شادی، خرمی، استراحت، خوشی، آرامش، سپاس، حق‌شناسی، قدرت انتخاب، قدرت عمل و ترک عمل، خشنودی، اختیار، عتق، وارستگی و جوانمردی آمده است (انجو شیرازی، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ معین، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۴۶؛ عمید، ۱۳۶۳: ص ۲۴). کلمه آزادی در عربی معادل دقیق واژه حرّیت (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۶، ص ۸۸۹۵؛ اصغری، ۱۳۸۶: ص ۸۹؛ طیبیان، ۱۳۸۴: ص ۱۳؛ افرام البستانی، ۱۳۶۲: ص ۹۱) و در زبان لاتین libertas و در زبان فرانسه liberte (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۶۳: ص ۳۷۳) و در زبان انگلیسی liberty و Freedom (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۶۲: ص ۹۱) می‌باشد.

حرّیت در زبان عربی در معانی اخلاص، خلوص، پاک‌ی، بی‌آلایشی (افرام البستانی، ۱۳۶۲: ص ۹۱) و رهایی از بند و اسارت، قدرت در تصرف با اراده و اختیار تام، آزادی عمل، بیرون آمدن از قید کائنات و بریدن از جمیع علائق و ماسوی الله، آزادی اجتماعی، آزادی دینی، آزادی فردی، آزادی سیاسی، تدبیر امور خود بدون اجبار دیگری، آزادی فطری، آزادی طبیعی، آزادی قلم و مطبوعات (جر، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۸۲۰) و اشراف عرب و برگزیده و اختیار قوم و بهترین مردم و آزادترین آنان (ابن منظور، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۸۲) و پاک از عیب و نقص (ابن فارس، ۱۳۸۷: ص ۲۱۷، ۲۱۸۹) به کار رفته است.

در مفردات آمده است: برخی دانشمندان گفته‌اند: کرم شبیه حرّیت است، جز اینکه حرّیت در نیکی‌ها و محاسن کوچک و بزرگ به کار می‌رود و گفته می‌شود، و کرم جز در محاسن بزرگ گفته نمی‌شود، همانند کسی که مال را برای تجهیز ارتشی در راه خدا انفاق کند و بر عهده گرفتن خون‌بهاء و تاوانی که خون‌های

قومی را بالا برد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ص ۴۲۸).

فرهنگ علوم سیاسی پنج معنی برای آزادی آورده و می‌نویسد: اختیار فعل یا ترک فعل، داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد، مصون ماندن از اراده مستبدانه دیگران، استقلال و رهایی فرد یا گروه از ممانعت‌هایی که به وسیله دیگر افراد، گروه‌ها و یا حکومت برقرار شده باشد، وضع و موقعیتی که اجبار جامعه و افراد را بر شخص، به حداقل ممکن کاهش دهد، به طور اعم به مجموع آزادی‌هایی نظیر آزادی سیاسی، آزادی مذهبی و آزادی نطق و بیان اطلاق می‌شود (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۴: ص ۱۲۹).

داشتن حق انتخاب‌گری، انتخاب شدن و حق تعیین سرنوشت برای رشد و انتخاب برتر و رفع موانع بیرونی سیاسی - اجتماعی و رهایی از تحمیل ظالمانه قدرت حاکم آزادی است (سیدباقری و حسنی باقری، ۱۳۹۸: ص ۷).

روح القوانین در تعریف آزادی می‌گوید: آزادی آن است که افراد آنچه را باید بخواهند و بکنند و آنچه را موظف به خواستن آن نیستند، مجبور نباشند انجام بدهند (منتسکیو، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۳۹۴). توماس هابز<sup>۱</sup> در تعریف آزادی گفته است: منظور من از آزادی آن است که در برابر هر کاری که انسان طبق قانون طبیعی می‌خواهد انجام دهد، بدون ضرورت، ممانعتی وجود نداشته است، یعنی مانع و رادعی بر سر راه آزادی طبیعی نباشد، آلا آنچه برای خیر جامعه و دولت ضرورت دارد. وی در جای دیگر می‌گوید: آزادی نبود موانع بیرونی است، انسان آزاد کسی است که در اموری که به واسطه قدرت و ادراکش قادر به انجام کار می‌باشد، از آنچه میل به انجام آن دارد، بازداشته نشود (محمودی، ۱۳۷۵: ص ۱۵، ۱۷). کانت نیز گفته است آزادی اراده چه می‌تواند باشد، جز خودمختاری، یعنی این خاصیت که اراده قانون خودش باشد، میان یک اراده آزاد و یک اراده تابع قوانین اخلاقی، هیچ تفاوتی وجود ندارد (جونز، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۳۴۲). در کتاب دورساله درباره حکومت آمده است: اگر انسان در وضعیت طبیعی کاملاً آزاد است، اگر سرور و آقای شخص و دارایی خود است، اگر با ارشدترین برابر است و مطیع هیچ کس نیست، پس چرا باید از آزادی خود صرف نظر کند و آن را با دیگران تقسیم نماید؟ چرا از امپراتوری خود دست می‌کشد و خود را تحت سلطه و کنترل قدرت دیگری قرار می‌دهد (لاک، ۱۳۸۷: ص ۱۷۵).

1. Thomas Hobbes

به نظر می‌رسد با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی آزادی و فلسفه، مبانی و شاخصه‌های آزادی در دین اسلام، سزاوار است در تعریف آزادی گفته شود: توانایی و اختیار فعل واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات، و فراهم بودن شرایط تربیت و تهذیب نفس و آراستگی به فضایل و مکارم اخلاقی و پیرایش از رذایل و پلیدی‌های اخلاقی «آزادی» است. رها شدن از بردگی طاغوت و نجات از سلطه و زور و فرمانبرداری از غیر خدا، و باز بودن راه انجام تکالیف الهی، آزادی است.

رهایی از سلطه ظالمان و کافران و غیر مسلمانان و رفع موانع رشد، تکامل، سعادت و رستگاری، «آزادی» است. امکان حرکت در راه خدا و انبیاء و امامان و نفی مزاحمت‌های درونی و بیرونی برای خودسازی و عبادت و تقرب به سوی خدا، «آزادی» است. قدرت و اختیار بندگی خدا و عبودیت و لوازم و شرایط آن و فرمانبرداری از وحی الهی و پیامبر خدا (ص) «آزادی» است.

نجات از دیکتاتوری و استبداد دین‌ستیزان و مستکبران و جباران و زورگویان و مفسدان، و رهایی از شکنجه و خفقان و آزار و اذیت و تحمیل پادشاهان و حاکمان بی‌دین «آزادی» است. رهایی از زندان‌های هوای نفس، محیط فاسد، نظام اجتماعی و حاکمان خون‌ریز و فرعون‌های جنایتکار، عوامل شرک، کفر و الحاد، «آزادی» است. رهایی از حرص و آز و طمع، بخل و حسد، عجب، غرور، تکبر، غضب، شهوت، گناه، تهمت، غیبت، دنیاطلبی و سودجویی، «آزادی معنوی» است.

«سیاست متعالیه» جزئی از «حکمت متعالیه» بوده و «آزادی» نیز جزئی از سیاست متعالیه است. سیاست متعالیه بر عقل و شرع استوار بوده و آزادی در سیاست متعالیه نیز مستند به برهان و قرآن و حدیث می‌باشد.

عمود خیمه آزادی در سیاست متعالیه انطباق با قرآن و حدیث اهل بیت (ع) است. پژوهش حاضر درصدد است آزادی را براساس حدیث، آن هم فقط حدیث حرّیت توصیف و تحلیل کند.

سیاست متعالیه در حقیقت سیاست نبویه، علویه و حسینیه است، زیرا همان رفتار و گفتار معصومین (ع) پایه‌های سیاست متعالیه است. در مقابل «سیاست متعالیه»، «سیاست متدانیه» قرار دارد که تضاد این دو در مفهوم و مصداق، هر دو جاری است. ارکان سیاست متدانیه رویاروی ارکان سیاست متعالیه قرار دارد.

امام خمینی در جایگاه بزرگ‌ترین حکیم سیاست متعالیه در جهان، در توصیف و تحلیل سیاست متعالیه می‌گوید: «والله اسلام تمامش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام

سرچشمه می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۲۷۰). امام خمینی اعتقاد دارد: رسول‌الله (ص) پایه سیاست را بر دیانت گذاشته است (امام خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۵، ص ۲۱۷). انبیاء (ع) شغل‌شان سیاست است (امام خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۳، ص ۴۳۳). به نظر ایشان سیاست اسلامی با سیاست شیطانی، سیاست غربی، سیاست ضالّه، سیاست جاهلیه و سیاست حیوانی تفاوت اساسی دارد و سیاست را چیزی می‌داند که: «ملت را، اجتماع را، اشخاص را، راه ببرد، به یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع شده و به آخرت ختم می‌شود. الی‌الله است. سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان هست... این مختص به انبیاء و اولیاء است و به تبع آنها علمای بیدار اسلام» (امام خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۳، ص ۴۳۰-۴۳۳). ایشان در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود نوشته‌اند: «قرآن کریم و سنت رسول‌الله (ص) آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند، در سایر چیزها ندارند» و در ادامه، اقامه حکومت اسلامی را از بزرگ‌ترین واجبات و والاترین عبادات دانسته و «سیاست سالم» را از امور لازمه می‌شمارند (امام خمینی، ۱۳۹۳: ج ۲۱، ص ۴۰۷).

بر طبق تبیین امام خمینی، سیاست متعالیه در حقیقت همان سیاست صحیح و سالم و هدایت جامعه براساس اسلام، قرآن و سنت در صراط مستقیم است که از دنیا شروع می‌شود و به آخرت ختم می‌گردد. امام صادق (ع) در فلسفه بعثت پیامبر خدا (ص) فرموده‌اند: «فَوْضَ الیه امر الدین والامّة لیسوس عباده» (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۲۶۶)، «خداوند امر دین و امت را به پیامبر (ص) تفویض نمود تا بندگان خدا را سیاست‌مداری کند». بنابراین، بزرگ‌ترین سیاستمدار سیاست متعالیه، پیامبر اسلام (ص) است. ملاصدرا در تعریف حکمت می‌نویسد: «قیل هی الاقتداء بالخالق تعالی فی السیاسة بقدر الطاقة البشریة» (شیرازی، ۱۳۶۳: ص ۱۳۷)، «گفته شده حکمت اقتدای به خالق تعالی در سیاست، به قدر طاقت بشر است».

در ارتباط میان نبوت، شریعت و سیاست نیز می‌گوید: نسبت نبوت به شریعت مانند نسبت روح است به جسدی که در وی روح باشد و سیاست عاری از شریعت مانند جسدی است که روح در وی نباشد (شیرازی، ۱۳۸۴: ص ۴۹۶).

### پیوند سیاست متعالیه و حدیث

حکمت متعالیه صدرایی با حدیث پیوند ناگسستنی دارد. ملاصدرا در آثار خویش به احادیث استناد



می‌کند و احادیث اهل بیت (ع) الهام‌بخش صدرالدین شیرازی در حکمت خویش بوده است. از آثار تفسیری و حدیثی ملاصدرا و همچنین آثار فلسفی وی می‌توان رویکرد حدیثی این حکیم متأله را شناخت. یکی از آثار ملاصدرا شرح اصول کافی است. او در این کتاب بهترین کتاب حدیثی قدمای شیعه را شرح داده است. وی در مقدمه کتاب، از ارزش مقتضای عقل صحیح مؤید به نقل صریح سخن می‌گوید. در همین مقدمه علوم وحیانی و الهامی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را برترین علوم، و پیامبر و آل پیامبر را به حکم آیه تطهیر، معصوم از خطا و نسیان و مطهر از سهو و نقصان، و اهل بیت (ع) را خزانه‌های اسرار وحی و تنزیل و معدن‌های علم و تأویل و حافظان اسرار یقین و ایمان و پرده‌داران نورهای حکمت و برهان و حجت‌های الهی بر جهانیان و یاران دین خدا و ظرف‌های اسرار علم خدا و جایگاه نگهداری انوار حکمت خدا و رکن‌های توحید و دلیل آن و راهنمایان به صراط و سبیل الله می‌داند. او اعتقاد دارد با ولایت اهل بیت (ع) راه بهشت و رضوان پیموده می‌شود و بر هر کس که نور آنان را انکار کند، غضب رحمان و عذاب جهنم است. او اهل بیت (ع) را علمای ربانی و حکیمان الهی و اولیای کامل و عبادالله گرامی داشته شده و محبوب و اهل ذکر می‌نامد. وی دلیل و هدف خود از انتخاب الکافی کلینی برای شرح را در همین مقدمه توضیح می‌دهد و می‌نویسد: «ثم ان احسن احادیث مذکوره رویت لنا منهم و ابھی دررکلمات منشوره نقلت الینا عنهم، تحلی اللسان بجواهر حقائقها و تجلی الانسان فی زواهر حدائقها، احادیث کتاب الکافی الی الفها و جمعها امین الاسلام وثقة الانام الشیخ العالم الکامل و المجتهد البارع الفاضل محمد بن یعقوب الکلینی اعلی الله قدره و انار فی سماء العلم بدره، لقد ساق الله ماء العلم الفرات الطیب من انهار کتابه و جداول فصوله و ابوابه الی اراضی القلوب الزکیه الطیبه لیخرج به ثمرات هی اصول اغذیه القلوب و الارواح و فروع فواکه العقول و الالباب» (شیرازی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۶۶ - ۱۶۷)، «نیکوترین و بهترین احادیث ذکر شده‌ای که از آنان برای ما روایت شده و زیباترین و درخشانده‌ترین سخنان نثری که چون مرواریدهای بزرگ به هم پیوسته از آنان برای ما نقل شده، زبان به جواهر حقائق آنها آراسته گشته و انسان در گل‌های باغ‌های آنها تجلی یافته، احادیث کتاب کافی است که امین الاسلام و ثقة الانام شیخ عالم کامل و مجتهد زبردست فاضل محمد بن یعقوب کلینی اعلی الله قدره و انار فی سماء العلم بدره تألیف و جمع‌آوری نموده است. به تحقیق آب فرات پاک دانش را خداوند از نهرهای بزرگ کتاب او و رودهای کوچک فصل‌ها و باب‌های آن، به سوی زمین‌های دل‌های پاکیزه و پاک جاری ساخته است تا با آن میوه‌هایی که اصول غذاهای دل‌ها و روح‌ها و فروع میوه‌های لذت‌بخش عقل‌ها و دل‌ها است را بیرون آورد».

در همین کتاب شرح اصول الکافی در آغاز کتاب الحجّة، برگزیدگان بندگان خدا را اهل حق و یقین می‌داند که حکمت و دین را از مشکاه و چراغدان نبوت و ولایت اقتباس کرده‌اند. او اهل بیت (ع) را راهنمایان تلفیق بین مقتضای شریعت‌ها و موجبات عقل‌ها می‌داند که روشن ساخته‌اند، تعاندی بین شرع منقول و حق معقول نیست و عقل با شرع نور علی نور است و آنان حجت ظاهری مکشوف هستند و مردم نیازمند به حجت بوده و زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نمی‌ماند و انبیاء حجت‌های خدا بر طبقات مردم و امامان (ع)، جانشینان خدا در زمین و نورهای خدا و ولایه امر و ارکان زمین و اهل ذکر و راسخون در علم و برگزیدگان خداوند می‌باشند (شیرازی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۳۸۷-۳۹۰).

براساس نوشته‌های مآلصدر، شریعت و نقل و حدیث، منبع اصلی شناخت صراط مستقیم و سبیل‌الله می‌باشد. بنابراین، «حدیث» پیامبر (ص) و «حدیث» امامان (ع) جوهرهای حقیقت و خزانه‌های اسرار وحی و تنزیل و معدن علم و تأویل و حجت‌های الهی بر بشریت است. حکمت متعالیه و به تبع آن سیاست متعالیه، از سرچشمه زلال وحی الهی و حدیث معصومان (ع) سیراب شده و می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر در تبیین سیاست متعالیه به احادیث استناد می‌کند.

## ۶. خداوند منشاء و مبدأ آزادی

هر انسانی که از مادر به دنیا می‌آید، آزاد است و این حقیقت را بیش از چهارده قرن پیش پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بزرگ‌ترین آموزگاران آزادی بیان کرده‌اند. ژان ژاک روسو<sup>۱</sup> در کتاب قرارداد اجتماعی، کتاب اول، فصل اول، در جمله آغازین کتاب نوشته است: انسان آزاد زاده می‌شود، ولی همه‌جا در بند است (جونز، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۳۴۱). در این فرضیه روسو، بر زایش انسان آزاد تصریح شده، ولی از هستی‌بخش و آفریننده انسان آزاد یاد نشده است. آنچه در این نوشتار پدر انقلاب فرانسه در قرن هجدهم به طور ناقص ذکر شده، در حدیث اهل بیت (ع) در بیش از چهارده قرن قبل، به صورت کامل آموزش داده شده است. امیرمومنان (ع) در نامه‌ای به فرزند خویش نوشته‌اند: «... و قد جعلک الله حراً» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، «بنده غیر خودت مباش، در حالی که قطعاً خداوند تو را آزاد قرار داده است». با دقت در این فراز از نامه امام علی (ع) به فرزند خویش، چند نکته درباره آزادی روشن می‌گردد. انسان آزاد زاده می‌شود و آفریننده انسان، او را آزاد گردانیده

1. Jean-Jacques Rousseau

است. منشاء آزادی هر انسان، جعل الهی بوده و خداوند انسان را آزاد قرار داده و مبدأ زمانی آزادی انسان نیز همان ولادت او از مادرش می‌باشد. بنابراین، آزادی «جعلی» و قراردادی است، اما به قرارداد اجتماعی و قرارداد ذاتی و قرارداد عرفی و قرارداد اکثریت و قرارداد بشری نیست، بلکه به قرارداد الهی است که محکم‌ترین و بادوام‌ترین قرارداد و بهترین قراردادها و قرارداد حقیقی است. پس، جاعل حرّیت و آزادی بشر، خدای سبحان می‌باشد و آزادی یک ارزش و فضیلت بزرگ و کرامت است. چون خداوند عزوجل در نهاد بشر قرار داده و فعل خدای متعال براساس حکمت است. در رهنمود دیگر امیرمومنان(ع) چنین آمده است: «... و ان الناس کلهم احرار» (کلینی، ۱۴۰۱ق: ج ۸، ص ۶۹)، «ای مردم! آدم برده و کنیز به دنیا نیامده است و همه مردم آزادگان‌اند». از این حدیث علوی نیز پیشگامی اسلام و اهل بیت(ع) در آموزش آزادی به بشر روشن می‌شود. آری، انسان از پدر و مادر، برده به دنیا نمی‌آید! آدم و حوا آزاد بودند و فرزندان آنان آزادند و همه جهانیان آزاد می‌باشند. تصریح و تاکید امیرمومنان(ع) و امام آزادگان بر زایش آزاد بشر در راستای نفی استبداد و استکبار و ظلم و بردگی و سلطه‌گرایی است. در حدیثی دیگر امام علی(ع) فرمودند: «... و قد جعلک الله حراً» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۶، ص ۲۹۸)، «طمع تو را برده نگرداند، در حالی که قطعاً خداوند تو را حرّ و آزاد قرار داده است». بنابراین، منشاء و مبدأ حرّیت بشر، جعل الهی است. در این حدیث علوی نیز همان اصل حقیقی در حرّیت یادآوری شده که جاعل حرّیت بشر، خدای سبحان و هستی‌بخش جهان است. آزادی، اختیار، اراده و استعداد آزاد زیستن و آزادی و هدایت و تکامل را خداوند در نهاد انسان قرار داده است. انسان برده هیچ‌کس نیست و نایستی بنده هیچ انسان دیگر و هیچ چیز دیگری گردد. فرمانبرداری کامل از طمع، نوعی بردگی است، سرسپردگی به طمع و حرکت بر محور طمع، خروج از آزادی‌ای است که خدای متعال به هر انسانی داده است. امام علی(ع) در حدیثی دیگر فرمود: «من اراد ان یعیش حراً ایام حیاة فلا یسکن الطمع قلبه» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۴۹)، «هر کس تصمیم دارد در دوران حیاتش آزاد زندگی کند، پس طمع را در قلب خود جای ندهد». بر طبق این حدیث علوی، طمع و حرّیت با هم جمع نمی‌شوند و رهایی از طمع برای آزاد زیستن لازم است.

خداوند در فلسفه بعثت و وظایف پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» (اعراف، ۱۵۷)، «بارهای گران و زنجیرهایی که بر آنها بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد». بر طبق این آیه، آزادی از ظلم، فشار، اختناق، خفقان و رهایی از غل و زنجیرهای طاغوت‌ها در اقدامات پیامبر آزادی است. اصل و قانون اساسی خلقت انسان آزاد بودن است. عبدالله بن سنان می‌گوید:

«سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: كان امير المؤمنين يقول: ان الناس كلهم احرار» (کلینی، ۱۴۰۱ق: ج ۶، ص ۱۹۵؛ ج ۷، ص ۴۲۰؛ صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۱۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ص ۲۳۶؛ ج ۸، ص ۲۳۵)، «شنیدم امام صادق(ع) می فرمود: «امیرمؤمنان(ع) می گفت: قطعاً مردم همه آنان آزادند». در این بیان دو امام معصوم، سنت الهی آفرینش انسان‌ها، آزاد زیستن آنان شناخته شده است.

## ۷. فلسفه و چرایی آزادی

آزادی بشر برای توفیق در امتحان الهی و عبادت و تقرب به سوی پروردگار است. آزادی برای توانایی گزینش صراط مستقیم و رهایی از اربابان زر و زور و تزویر و سلطه‌گران و حرکت در راه خدا و فرمانبرداری از پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است. هدف از آزادی رشد و تکامل و رستگاری انسان‌ها می‌باشد. آزادی بشر برای انتخاب و اختیار عبادت خدا و دوری از هر نوع شرک است. شعار اسلام «لا اله الا الله» شعار توحید و آزادی است. نفی تمامی خدایان دروغین و رهایی از بردگی طاغوت‌ها و شاهان، حکم بخش اول این شعار توحیدی است. آری، با نفی الهه و بت‌های گوناگون زمینی و با آزادی می‌توان به «الله» رسید.

امام علی(ع) در تبیین مراتب عبادت چنین فرموده‌اند: «... و ان قوماً عبدوا الله شكراً فتلك عبادة الاحرار» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷؛ حلوانی، ۱۴۰۸ق: ص ۹۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۵۰)، «قومی خداوند را با میل به پاداش و ثواب عبادت می‌کنند، پس آن عبادت تاجران است و قومی از روی ترس خدا را عبادت می‌نمایند، پس آن عبادت بردگان است و قومی از روی شکر و سپاس خدا را عبادت می‌کنند، آن عبادت آزادگان و احرار است». روشن است که از میان عبادت تاجران، بردگان و آزادگان، عبادت آزادگان بالاترین عبادت است. بنابراین، حرّیت، آزادی و عبادت، توأمان می‌گردد. احرار، عبادت خدا را برای تشکر از خداوند انجام می‌دهند. احرار اهل عبادت می‌باشند و در مراتب و اقسام عبادات نیز بهترین عبادت را دارند. فلسفه آزادی، وصول به درجه عالی عبادت الهی است، عبادت با شناخت و شکر خدا، بهترین نوع عبادت است و احرار، این نوع عبادت را دارند. امام صادق(ع) نیز فرمودند: «ان العباد ثلاثه... و قوم عبدوا الله عزوجل حباً له فتلك عبادة الاحرار و هي افضل العبادة» (کلینی ۱۴۰۱ق: ج ۲، ص ۸۴)، «عابدان سه گروه هستند: قومی خدای عزوجل را از روی خوف و ترس عبادت می‌کنند، پس آن عبادت بردگان است و قومی خدای تبارک و تعالی را برای طلب ثواب عبادت می‌کنند، پس آن عبادت اجیران است و قومی خدای عزوجل را از روی آگاهی و حبّ و عشق برای او عبادت می‌کنند، پس آن عبادت احرار و آزادگان بوده و آن

بهترین عبادت است».

همه انسان‌ها از اختیار و استعداد آزادی خویش در راه رشد و کمال، بهره‌برداری مطلوب نمی‌کنند، باید اهداف، شرایط و لوازم پایداری نعمت آزادی را شناخت و به آن آراسته شد تا فلسفه آزادی، عملی گردد. امام علی(ع) در این باره فرموده‌اند: «... و من قصر عن احکام الحریه العید الی الرق» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۵، ص ۳۱۴)، «هر که به شرایط بندگی قیام کند و بر آن ایستادگی کند و پایداری نماید، اهل عتق و آزادی است و هر که از رعایت احکام حرّیت و آزادی کوتاهی کند، به بردگی و ذلّت بازگردانده می‌شود». در این حدیث، شرایط عبودیت، همان احکام حرّیت است و این پیوند حرّیت و عبودیت، فلسفه حرّیت را نشان می‌دهد. در منطق علوی، عبودیت و حرّیت ملازم و مرتبط با هم بوده و شرایط و احکام آنها نیز مشابه و هماهنگ می‌باشد. امام حسن عسکری(ع) در تفسیر آیه «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره، ۸۳). فرموده‌اند: «قال رسول الله(ص): افضل والديکم... فإنا ننقذهم إن أطاعونا من النار إلى دار القرار، و نلحقهم من العبودية بخيار الاحرار» (امام حسن عسکری، ۱۴۰۹ق؛ بحرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۲۱؛ ج ۴، ص ۳۰۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۵۰)، «پیامبر خدا(ص) فرموده است: بهترین والدین شما و سزاوارترین آنان بر سپاسگزاری تان محمد و علی است، و علی بن ابی طالب گفته است: شنیدم پیامبر خدا(ص) می‌فرمود: من و علی دو پدر این امتیم و حق ما بر آنان از حق والدین شان بزرگ‌تر است، زیرا اگر آنان از ما اطاعت نمایند، از آتش جهنم به سوی بهشت جاویدان نجات‌شان می‌دهیم و از بردگی به برگزیدگان آزادگان ملحق می‌کنیم». براساس این حدیث نبوی، «خيار الاحرار» اوج تکامل انسانی بوده و رساندن به آن، رسالت پیامبر خدا(ص) و امامان است.

## ۸. ویژگی‌های آزادی و آزادگان

با شناسایی اختصاصات آزادی و حرّیت در اسلام و کلام اهل بیت(ع) می‌توان به ماهیت و ابعاد آزادی پی برد. آزادگان چه صفاتی دارند و چه صفاتی ندارند؟ باید‌ها و نبایدهای آزادی چیست؟ حقیقت صفات ثبوتی و سلبی آزادگان کدام است؟ شناخت حقیقت آزادی از منظر اسلام، با درنگ در آنچه آزادگان به آن آراسته و آنچه از آن پیراسته‌اند، روشن و آشکار می‌گردد.

### ۸-۱. لوازم و بایستگی آزادی

صفات وجودی آزادگان نشان‌دهنده لوازم و بایستگی‌های آزادی است. امام علی(ع) فرمودند: «ضمیر

الاحرار محل الانوار» (طبرسی، ۱۳۸۴: ص ۸۰)، «ضمیر آزادگان جایگاه تابش انوار است». مطابق این حدیث علوی، آزادگی و نور توأمان هستند. انسانی که با بندگی و فرمانبرداری خداوند از بندگی هوای نفس، شیطان، شهوت و طاغوت آزاد است، او دل نورانی دارد و درونش جایگاه تابش نور خدا است. او با نور الهی حرکت می‌کند، بصیرت دارد و دیگران را روشن می‌کند.

در حدیثی دیگر امام علی(ع) می‌فرماید: «حسن البشر شیمه کل حر» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۳، ص ۳۹۳)، «نیک‌رویی و خوش‌رویی، خوی و خصلت آزاده است». مطابق این حدیث علوی، طبیعت آزاده، خوش‌رویی، نیک‌رویی و برخورد زیبا است و از بداخلاقی، استکبار، تند، خشونت، غرور، عجب، خشم، گرفتگی و بستگی چهره به دور می‌باشد. امام علی(ع) در حدیث دیگری فرموده‌اند: «الطلاقة شیمه الحر» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۲۷)، «گشاده‌رویی و خوی و خصلت آزاده است».

کسب مال حلال صفت زیبای دیگر آزادگان می‌باشد. امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «من توفیق الحر...» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۶، ص ۳۶)، «از موفقیت آزاده، کسب و به دست آوردن مال از راه حلال است». کسب روزی حلال، بسیار سخت، مشکل و پیچیده بوده و توفیق در آن، موفقیت بزرگ و ستایش برانگیز است. بنده خدا و آزاده، آراسته به امتیاز زیبای کسب مال از راه حلال می‌باشد.

امتیاز دیگر آزاده قناعت است. امام علی(ع) فرموده‌اند: «العبد حر ما قنع» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۱۳)، «بنده خدا تا زمانی که قانع باشد، آزاد است». آری بسیاری از اسارت‌ها، ذلت‌ها، بردگی‌ها و سلطه‌پذیری‌ها ریشه در افزون‌خواهی، رفاه‌طلبی، سودجویی و طمع‌ورزی دارد. حیاء و عفت دو امتیاز دیگر آزادگان است. امام علی(ع) فرموده‌اند: «... و انهما لسجیه الاحرار و شیمه الابرار» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۵۸۴)، «حیاء و عفت از خصلت‌های ایمان بوده و آن دو خوی و خصلت آزادگان و شیوه ابرار است». امام علی(ع) در این حدیث میان مومنان، ابرار و احرار ارتباط برقرار ساخته و دو صفت بزرگ سرنوشت‌ساز حیاء و عفت را ویژگی آنان برشمرده‌اند. بنابراین، حرّیت با حیاء و عفت همراه بوده و آزادی حقیقی از حیاء و عفت جدایی‌ناپذیر است. پس، بی‌حیایی و بی‌عفتی، نفی آزادگی است و با روح آزادی ناسازگار می‌باشد. پایداری بر ارزش‌های آزادگی و اصول حرّیت در رنج‌ها و زیان‌ها، از امتیازات آزاده است. امام علی(ع) فرموده‌اند: «الحر حر...» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق/ب، ج ۷۸، ص ۱۲؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق/الف، ج ۸، ص ۱۲۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۲۵۷)، «آزاده، آزاده است، گرچه به او زیان و سختی برسد». «ضر» به معنای زیان، ضرر، تنگی، سختی، بدحالی و رنج است. آزاده در هیچ شرایطی از قوانین و

ارزش‌های آزادی دست بر نمی‌دارد و بر اصول آزادی استوار است. حرّیت، جامع صفات زیبای اخلاقی است. امام صادق(ع) فرمودند: «خمس خصال من لم تکن فیه خصله منها فلیس فیه کثیر مستمتع ... و الخامسه و هی تجمع هذه الخصال الحرّیه» (صدوق، ۱۳۶۲: ص ۲۸۴؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۶۲)، «پنج خصلت است که در هرکس یکی از آن‌ها نباشد، خیر و بهره‌زیادی در او نیست: اول وفاداری و دوم تدبیر و سوم شرم و چهارم خوش‌خویی و پنجم که چهار خصلت دیگر را نیز در خود دارد، حرّیت و آزادی است». در این حدیث شریف حرّیت بالاترین صفت زیبای الهی و دربردارنده خیر فراوان، جامع صفات عالی وفاداری، تدبیر، حیاء و حسن خلق شمرده شده است.

صبر بر ارزش‌های آزادی و درهم‌نشکستن و واندادن و سست نشدن، قانون آزادی و اصل بزرگ حرّیت است. امام صادق(ع) فرمود: «ان الحر حر علی جمیع احواله ... لم یضرر حرّيته ان استعبد و قهر و اسر...» (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۲، ص ۸۹؛ طبرسی، ۱۳۴۴: ص ۲۱؛ شهید ثانی، بی‌تا: ص ۴۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۳۳۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۴۳۶)، «آزاده در همه حال آزاده است. اگر بلا و سختی به او برسد، صبر و شکیبایی ورزد و اگر مصیبت‌ها بر سرش فرو ریزد، او را نشکنند، هرچه به اسیری افتد و مقهور شود و آسایش را از دست نهاده به سختی و تنگدستی افتد. چنان که یوسف صدیق امین صلوات الله علیه به بندگی گرفته شد و مقهور و اسیر گشت، اما این همه به آزادی او آسیب نرساند».

در آستانه شهادت حرّ، زمانی که هنوز رمقی در بدن داشت، امام حسین(ع) بر بالین او آمده و گرد و غبار از سیمایش زدوده فرمودند: «أَنْتَ الْحُرُّ كَمَا سَمَّيْتُكَ أُمِّكَ وَ أَنْتَ الْحُرُّ فِي الدُّنْيَا وَ أَنْتَ الْحُرُّ فِي الْآخِرَةِ» (ابو مخنف، ۱۴۱۷: ص ۲۱۵؛ ابن طاووس، بی‌تا: ص ۱۰۵؛ بحرانی اصفهانی، بی‌تا: ج ۱۷، ص ۲۵۸)، «تو آزادی، همچنان که مادرت تو را حرّ نامید، و تو آزاد در دنیا و آزاده در آخرت هستی». امام حسین(ع) در این گفتار در آن لحظات حساس، ارزش حرّیت را یادآوری نموده و مدال افتخار آزادی را به حرّ دادند. آزادی در دو مقطع دنیا و آخرت، ممدوح و مقدس است. این دو در راستای هم و هماهنگ با هم می‌باشند.

امام حسین(ع) در روز عاشورا، در صحنه نبرد حق و باطل خطاب به دنیاپرستان و بی‌دینان سپاه دشمن فرمودند: «... فکونوا احراراً فی دنیاکم هذه» (ابن طاووس، بی‌تا: ص ۱۱۹؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۳۱۸؛ بحرانی اصفهانی، بی‌تا: ج ۸۷، ص ۲۹۳)، «وای به حالتان ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از معاد نمی‌ترسید، پس آزادگانی در این دنیای‌تان باشید». براساس این هشدار سید الشهداء(ع)، آزادی و آزادی منهای دین هم امکان داشته و اهمیت و جایگاه ویژه خود را دارد. گرچه آزادی توأم با

دیانت، کامل، بالاتر و با ارزش‌تر است، اما امام حسین(ع) در این خطاب، آنان را به حداقل آزادی که آزادی در دنیاست، فرامی‌خوانند.

## ۸-۲. نبایدهای آزادی

شناسایی صفات عدمی آزادی و زشتی‌هایی که با آزادی ناسازگار است، راهنمای آزادی‌پژوهان برای شناخت حقیقت آزادی است. رهایی از خدعه و مکر از قوانین آزادی می‌باشد. انسان آزاده از تمام آلودگی‌ها و مفسد و رذایل اخلاقی پاک و به همه فضایل و کمالات آراسته است و همه این‌ها در حقیقت در عبادت خدا جای دارد. امام علی(ع) فرموده‌اند: «الحریه منزّه...» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۳۸۵)، «حرّیت از غل، کینه، غش، خیانت، مکر، فریب، نیرنگ و تزویر پاک است. آری، آزادی از عیب و ننگ به دور بوده و آزاده از عیب و عار رها است. امام علی(ع) فرموده‌اند: «جمال الحر تجنب العار» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۳، ص ۳۶۲)، «زیبایی آزاده، دوری گزیدن از عیب و عار و ننگ است». آزادی و شهوت‌گرایی در تضاد با هم قرار دارند و هرگز آزادی و شهوت‌پرستی با هم جمع نمی‌شوند. امام علی(ع) فرموده‌اند: «من ترک الشهوات کان حراً» (حرّانی، ۱۳۶۳: ص ۸۹-۹۹؛ کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۴۹)، «هر کس شهوات را ترک کند، آزاده است». ایشان در حدیث دیگری فرمودند: «لان یکون الحر عبداً لعبیده خیر من ان یکون عبداً لشهوته» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ص ۳۳۴)، «آزاده بنده‌ای برای بردگانش باشد، بهتر است از اینکه بنده شهواتش گردد». بنابراین، حرّیت با بردگی شهوت ناسازگار است و در دوره جدای از هم قرار دارند. امام صادق(ع) فرمود: «ان صاحب الدین... و رفض الشهوات فصار حراً» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳: ج ۶۹، ص ۲۷۷)، «انسان صاحب دین... شهوات را رها کرده، پس آزاده شده است». بی‌تردید شهوت‌گرایی، عامل بردگی، ذلّت و اسارت است.

حرّیت از سخاوت جدا نمی‌گردد و با بخل در تضاد است. امام رضا(ع) فرموده‌اند: «... لا تکنون فی الحر و لا مومن انها خلاف الايمان» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳: ج ۷۸، ص ۳۴۶؛ امام رضا(ع)، ۱۴۰۶: ص ۳۳۸)، «از بخل بپرهیزید که آفت و بلاست و در آزاده و مومن وجود ندارد، زیرا آن خلاف ایمان است». رهایی از دنیاگرایی نیز در حرّیت جای دارد. امام علی(ع) فرموده‌اند: «الا حر یدع هذه اللماظه لا هلهما؟...» (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ص ۲۸۹)، «آیا آزاده‌ای نیست که این ریزه‌های غذا در دهان و ته مانده غذا و چیز کم را جلوی اهلس بیاندازد؟ زیرا جز بهشت



بهبایی برای جان‌های شما نیست، پس آنها را جز به بهشت مفروشید». امام علی (ع) در حدیث دیگری فرموده‌اند: «من اوحش الناس تبراً من الحرية» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۳۱۷)، «کسی که مردم را به وحشت اندازد و برماند، از آزادی جدا شده است». آزادی با وحشت و ترور و ایجاد ترس و اندوه سازگار نیست و آزاده اهل ایجاد ناامنی نیست و مردم از دست و زبان او در امان هستند».

### ۹. عشق به آزادی و آزادگی

حریت و عبادت در منطق اسلام جدایی‌ناپذیرند، از این‌رو آزادی و عبادت به هم پیوسته‌اند و آزادگان بندگان شایسته خداوند و بهترین انسان‌ها می‌باشند. امیرمومنان (ع) و رهبر آزادگان جهان در سختی‌ها و کوتاهی‌های اصحاب خویش فریاد می‌زدند: کجایند آزادگان؟ زمانی که از رفتار اصحاب خود ناراحت شده بودند، فرمودند: «این اختیار کم و صلحاکم و احرار کم و سمحانکم؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹)، «خوبان، شایستگان، آزادگان و بخشندگان شما کجایند؟». در خطبه دیگری فرمودند: «... فلا احرار صدق عند النداء...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵؛ ثقفی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۱۳)، «روزی بلند می‌خوانمتان و روزی آهسته با شما سخن می‌گویم، نه آزادگان راستین‌اید زمانی که بلند می‌خوانمتان و نه برادران راز دار و مورد اطمینانید زمانی که در گوشتان و آهسته سخن می‌گویم».

### ۱۰. وظایف مردم در ارتباط با آزادی و آزادگان

هر انسانی باید کوشش کند با خودسازی و جهاد اکبر، به صفت اصیل، بزرگ، پُر ارزش، فراگیر، جامع زیبایی‌ها و فضایل اخلاقی که حریت است، آراسته گردد. وظیفه همه انسان‌ها عبادت پروردگار است و عبادت منشاء حریت بوده و از این‌رو اکتساب آزادی و آزادگی و شناخت سیما و اخلاق آزادگان، وظیفه شرعی عمومی است. اکرام آزادگان یک راهبرد موثر در گسترش آزادی‌خواهی، نشاط، توسعه آزادگی و جاذبه حریت در جامعه و جوانان است. امام علی (ع) فرموده‌اند: «لیس للاحرار جزاء الا الاکرام» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۵، ص ۸۱)، «برای احرار و آزادگان پاداشی جز اکرام نیست». احرار در پی جزای رایج و شایع بین مردم که علاقه به عطای مال، ثروت و امکانات مادی است، نمی‌باشند. جزای آنان اعزاز، احترام، تکریم، تعظیم و بزرگداشت است. این پاداش ضامن پایداری آزادی و عامل ترویج روح آزادگی و امتیازات و صفات زیبای آزادگان در اجتماع است.

بی‌احترامی و ستم به آزادگان و نفی حق آنان به شدت نکوهش شده است. امام علی (ع) فرموده‌اند:

«ویل لمن وتر الاحرار» (طبرسی، ۱۳۸۴: ص ۱۰۶)، «وای بر کسی که در حق آزادگان ستم کند». بهترین نوع نیکی و همکاری در آنجایی است که نیکی به احرار باشد. امام علی (ع) فرموده‌اند: «... الی الاحرار» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۳، ص ۴۲۱)، «بهترین احسان و نیکی آن است که به آزادگان برسد». انجام معروف در رفتار با آزادگان، سفارش رهبران دینی است. امام علی (ع) فرموده‌اند: «... یودع الاحرار» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۴۵۷)، «افزون‌ترین گنج‌ها، معروف و احسانی است که نسبت به آزادگان انجام گردد و به آزادگان امانت سپرده شود».

امام علی (ع) فرموده‌اند: «... او ینفر عنک حرّاً» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۱۹۱)، «گفتارت را کم کن، و آرزوها را کوتاه نما، و آنچه برایت گناهی کسب می‌کند و یا آزاده‌ای را از تو می‌رهاند، مگو». ایشان در حدیث دیگری فرموده‌اند: «ایاک و کل عمل ینفر عنک حرّاً» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۳۱۶)، «از هر کرداری که آزاده‌ای را از تو برهاند، بپرهیز». انسان آزاده آنقدر ارجمند است که امام هشدار می‌دهند مبدا کاری بکنی یا سخنی بگویی که آزاده‌ای را برنجانی و موجبات نفرت و خشم او را فراهم کنی و او را از خود برمانی.

اینکه امام معصوم از بین قشرها و گروه‌ها و افراد با صفات و سجایای گوناگون، تنها آزاده و حرّ را ذکر کرده و مردم را از آزار او و قول و فعل ناراحت‌کننده او نفی می‌کنند، اهمیت، ارزش و جایگاه حرّیت و آزادگی را در میان صفات زیبا نشان می‌دهد. امام علی (ع) در احترام و تکریم آزاده فرمودند: «... فان السخاء بالحرّ أخلق» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۸۵؛ نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۵، ص ۲۶۰)، «مال خود را در حق‌ها بذل و با آن با دوست مواسات نما، پس سخاوت و بخشش به آزاده سزاوارتر است». بر طبق این گفتار علوی، سخاوت و بخشش به آزادگان و آزادی‌خواهان جهان بهتر و بالاتر از دیگران می‌باشد. در بیان دیگری امام علی (ع) فرموده‌اند: «قد یضام الحرّ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۳۶۷؛ آمدی، ۱۳۶۶: ج ۴، ص ۴۶۸). گاه هست که در حق آزاده ظلم می‌شود. چون آزاده اهل دنیاگرایی، افزون‌خواهی، پذیرش باطل و زور نیست و محجوب و با حیاء است. گاهی در حق او افراد و حکومت ستم می‌کنند. نباید اشخاص و گروه‌ها و حاکمان به آزاده ظلم کنند و او را خوار نمایند.

امام صادق (ع) در تبیین شرایط مستشار چنین فرمودند: «إِنَّ الْمَشُورَةَ لَا تَكُونُ إِلَّا بِحُدُودِهَا ... وَ الثَّانِيَةُ: أَنْ يَكُونَ حُرّاً مُتَدِيناً ... وَ إِذَا كَانَ حُرّاً مُتَدِيناً جَهَدَ نَفْسَهُ فِي التَّصِيحَةِ لَكَ...» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۶۰۲-۶۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۳۱۸-۳۱۹؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۲۶۹)، «مشورت جز با حدود آن سزاوار

نمی‌باشد. پس، هر کس مشورت را با حدود آن بشناسد، شایسته مشورت است، وگرنه زیان مشورت بر مستشیر و مشورت گیرنده از سود آن زیادتر خواهد بود. نخستین حدود آن است که شخصی را که با او مشورت می‌کند، خردمند باشد و دوم اینکه آزاده متدین باشد... و زمانی که مستشار آزاده متدین باشد، با نفسش در نصیحت و خیرخواهی تو جهاد می‌کند...». امام ششم در این گفتار چهار شرط و صفت، برای کسی که با او مشورت می‌شود، ذکر کرده‌اند که بدون آن‌ها زیان مشورت از سود آن بیشتر خواهد شد. یک صفت و حد آن «آزاده متدین» است. در ادامه حدیث دلیل لزوم هر صفت و حد را نیز آموزش داده‌اند. دلیل اینکه مستشار آزاده متدین باشد این است که او اهل جهاد با هوای نفس برای خیرخواهی مستشیر می‌باشد.

### ۱.۱. نتیجه‌گیری

براساس مطالعات اسلامی در کتب مرجع دینی، پیشگامی اسلام در ارزش‌گذاری و تقدس بخشیدن به آزادی و تبیین ابعاد گوناگون آن آشکار گردید. روشن شد که اهل بیت (ع) مردم را به آزادی و آزاد زیستن فراخوانده‌اند. بنابراین، حدیث معصومین (ع) بهترین منبع آزادی‌پژوهی و آزادی‌شناسی و دریافت پاسخ درست و دقیق و کامل برای همه پرسش‌های اساسی پیرامون آزادی است. در حکمت و سیاست متعالیه، حدیث جایگاه مهمی دارد و درون احادیث و نصوص شرعی پاسخ به همه پرسش‌های منظومه فکری وجود دارد و براساس احادیث حرّیت می‌توان منظومه فکری آزادی دینی را نشان داد.

مطابق متن احادیث اهل بیت (ع)، آزادی و حرّیت انسان قراردادی و اعطایی از سوی بشر نیست و تنها بر «جعل» الهی استوار بوده و خداوند انسان‌ها را آزاد قرار داده و آزاد آفریده و استعداد آزاد زیستن به او بخشیده است. اینکه انسان از چه چیزهایی باید آزاد گردد، و در چه اموری آزاد است و حدود و قلمرو آزادی و مرزهای آن، و اصول و قوانین آزادی، همه را خدای سبحان با فرستادن پیامبران و خاتم انبیاء و اوصیای ایشان به بشریت آموخته است. با تأمل در احادیث امامان درباره آزادی ثابت شد که چرایی و فلسفه آزادی، تکامل معنوی و عبادت خداست و برترین عبادت نیز عبادت احرار و آزادگان است. در ماهیت آزادی و حقیقت آزادگی، صفات ثبوتی و سلبی بسیاری نقش داشته و همه آنها در حدیث اهل بیت (ع) وجود دارد. بدیهی است که در شناخت بایدها و نبایدهای آزادی و آزادگی و وظایف مردم در ارتباط با آزادی و آزادگان، دلایل اهمیت و ضرورت آزادی‌شناسی و آزادی‌خواهی و آراستگی به حرّیت نهفته است.

## منابع

## قرآن کریم.

## نهج البلاغه.

۱. ابن ابی الحدید (۱۳۷۸ق). شرح نهج البلاغه. قم: اسماعیلیان، ج ۲۰.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول. قم: دفتر نشر اسلامی.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا). أللهوف علی قتل الطوفوف. تهران: جهان.
۴. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسن (۱۳۷۸). ترتیب مقایس اللغة. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۳۶۳). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه، ج ۴.
۶. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ق). وقعة الطف. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفة الاثمه. تبریز: بنی هاشمی، ج ۲.
۸. اصغری، عبدالرضا (۱۳۸۶). فرهنگ مطبوعاتی عربی به فارسی. مشهد: انصار.
۹. افرازم البستانی، فواد (۱۳۶۲). فرهنگ جدید عربی فارسی. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۰. امام حسن عسکری (ع) (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری (ع). قم: مدرسه امام مهدی (ع).
۱۱. امام رضا (ع) (۱۴۰۶ق). الفقه المنسوب الی الامام الرضا (ع). مشهد: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۲. انجوشیرازی، میرجلال الدین (۱۳۵۹). فرهنگ جهانگیری. مشهد: دانشگاه فردوسی، ج ۱.
۱۳. آریان پور کاشانی، عباس (۱۳۶۲). فرهنگ فشرده فارسی به انگلیسی. تهران: امیرکبیر.
۱۴. آقابخشی، علی؛ افشاری راد، مینو (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۱۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه و شرح جمال الدین محمد خوانساری. تهران: دانشگاه تهران، ج ۱-۶.
۱۶. آیت الله زاده شیرازی، سید مرتضی (۱۳۶۳). مجمع اللغات. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (بی تا). عوالم العلوم. قم: مؤسسه امام مهدی (ع)، ج ۱۷، ۸۷.
۱۸. بحرانی، هاشم (۱۴۰۳ق). البرهان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۱، ۴.
۱۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
۲۰. بروجردی، سید حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ج ۲.
۲۱. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۴۱۰ق). الغارات. قم: دارالکتاب الاسلامی، ج ۲.
۲۲. جر، خلیل (۱۳۷۳). المعجم العربی الحدیث (فرهنگ لاروس). ترجمه حمید طیبیان. تهران: امیرکبیر.
۲۳. جونز، و.ت. (۱۳۶۲). خداوندان اندیشه سیاسی. ترجمه علی رامین. تهران: امیرکبیر، ج ۲.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۳.

۲۵. حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب (۱۴۱۸ق). *تسلية المجالس وزينة المجالس*. قم: مؤسسة المعارف الاسلاميه، ج ۲.
۲۶. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). *نزهة الناظر وتبیه الخاطر*. قم: مدرسه الامام المهدي (ع).
۲۷. خمینی، سید روح الله (۱۳۹۳). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ۱۵، ۱۳، ۲۱.
۲۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران، ج ۱، ۶.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القرآن*. قم: دفتر نشر کتاب.
۳۰. سید باقری، سید کاظم؛ حسینی باقری، مهدی (۱۳۹۸). *حق انتخاب و آزادی سیاسی از منظر قرآن. سیاست متعالیه*، ۲۶: ص ۷-۲۶.
۳۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا). *مسکن الفؤاد*. قم: بصیرتی.
۳۲. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). *مفاتیح الغیب*. مقدمه و تصحیح محمد خواجه‌جوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۳۳. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). *شرح اصول الکافی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ج ۱.
۳۴. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۶۷). *شرح اصول الکافی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ج ۲.
۳۵. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۸۴). *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*. ترجمه و تفسیر جواد مصلح. تهران: سروش.
۳۶. صدوق، محمد بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۰۴ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۳.
۳۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۸۴). *نثر اللآلئ*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۳۹. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۴۴). *مشکاه الانوار فی غرر الأخیار*. نجف: المكتبة الحیدریة.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۰). *مکارم الاخلاق*. قم: الشریف الرضی.
۴۱. طبیبیان، حمید (۱۳۸۴). *فرهنگ رزان فارسی عربی*. تهران: فرزانه روز، چاپ دوم.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*. قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۶، ۸.
۴۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان، ج ۲.
۴۴. عمید، حسن (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
۴۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ج ۴.
۴۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
۴۷. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. قم: دارالذخائر، ج ۱.

۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق). *الکافی*. بیروت: دار صعب و دارالتعارف، ج ۱-۲، ۶-۸.
۴۹. لاک، جان (۱۳۸۷). *دورساله دربارہ حکومت*. ترجمه حمید عضدانلو. تهران: نشر نی.
۵۰. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دارالحدیث.
۵۱. مجلسی اول، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور، ج ۴.
۵۲. مجلسی دوم، محمدباقر (۱۴۰۳ق/الف). *مرآة العقول*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۸.
۵۳. مجلسی دوم، محمدباقر (۱۴۰۳ق/ب). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۷۸، ۶۹.
۵۴. محمودی، علی (۱۳۷۵). *نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵۵. معین، محمد (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
۵۶. منتسکیو، شارل دوسکوندا (۱۳۷۰). *روح القوانین*. ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
۵۷. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ج ۱۵.
۵۸. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). *تنبیه الخواطر و نزہة النواظر (معروف به مجموعه ورام)*. قم: مکتبه فقیه، ج ۲.

## استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.134900.1577

جواهری، محمدرضا (۱۴۰۰). آزادی در سیاست متعالیه. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۳): ص ۴۷-۶۸.